



آیا ارث زن از مرد کمتر است؟

❁ فلسفه این قانون چیست؟ ❁ پاسخ ایرادی دیگر!
❁ پیشوایان دین باین پرسش چگونه پاسخ گفته‌اند؟

آنچه که از روح اسلام، و مطالعه در ابواب مختلف آن، بدست می‌آید اینست که: هر گونه تبعیض و امتیازات نابجا از نظر اسلام، محکوم و مملنی است و اسلام شدیداً با آن، مخالف است، و هر گاه در بعضی موارد، نشانه‌هایی از تبعیض و برتری بعضی افراد، بر بعض دیگر، مشاهده گردید، حتماً نه بخاطر اینست که اسلام برخی از افراد را بر بعض دیگر، از جهت «انسانیت» و «حقوق انسانی»، ترجیح داده است بلکه بطور قطع باید دید که کدام يك از عوامل اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، روحی .. در آن موارد وجود داشته که باعث آن نوع اختلافها و امتیازات شده است!

و عبارتی دیگر: درباره‌ای از مواد که بظاهر آثار اختلاف و تبعیض میان حقوق افراد بچشم می‌خورد، هر گاه بطور دقیق و همه جانبه در اطراف آن بررسی کنیم، معلوم خواهد شد که نه تنها آن امتیازها عمیق و ریشه دار نیست بلکه بیک معنی نمی‌توان آنرا اختلاف و تفاوت دانست.

ما از میان صدها موردیکه هر کدام سند زنده‌ای برای صدق گفته‌بالا است فعلاً بهمین مسأله اختلاف میراث زن و مرد اکتفا میکنیم. اینکه می‌بینیم: اسلام سهم الارث زن را در بعضی موارد کمتر از مرد قرار داده (۱) این تفاوت ظاهری نه بخاطر اینست که اسلام ارزش و شخصیت

(۱) مواردی هم در فقه اسلامی دیده میشود که زن مانند مرد ارث میبرد مثل اینکه وارث

میت فقط پدر و مادر و یک فرزند باشد در اینصورت پدر و مادر هر کدام $\frac{1}{۶}$ و مابقی تر که که $\frac{۴}{۶}$

است به پسر منتقل میشود.

و گاهی هم دیده میشود که زن از مرد بیشتر ارث ببرد مانند صورتیکه وارث متوفی مختصر ←

انسانی زن را نادیده گرفته است بلکه صرفاً بخاطر عامل اقتصادی است که با توجه بنکات زیر که زیر بنای فلسفه تفاوت میراث زن و مرد است حقیقت این امر روشن خواهد شد :

۱ - دانشمندان علم اقتصاد ، عقیده دارند که برای بوجود آوردن يك اجتماع بتمام معنی سالم و شایسته که از هر گونه افراط و تفریط و سرکشی و طغیان ، بدور باشد ، جهاتی لازم است که اجراء اصل « هر کس بمقدار نیازمندی و حاجتش » در مرحله نخستین آنهاست .

این اصل است که ضامن تعادل ثروت و مالکیت است و از تورم ثروت های کلان و پدید آمدن شکاف طبقاتی که هزاران مفاسد اخلاقی و اجتماعی دارد ، جلوگیری بعمل می آورد

۲- بحکم وضع طبیعی که هر کدام از زن و مرد دارند ، اسلام مخارج افزون تری از قبیل نفقه زن و فرزند ، مهر و صدق زن ، هزینه زندگی زن هنگامیکه در عده بسر میرسد ، مخارج سایر نزدیکان تهیدست مانند مادر و خواهر ، پرداخت دیه قتل خطائی و بعهده مرد گذاشته است .

۳- زن در مقابل وظائف فوق و مخارج سنگینی که مرد بعهده دارد ، هیچگونه تعهد مالی بکرن ندارد .

نتیجه ای که از نکات بالا میتوان گرفت اینست : از آنجا که مخارج و احتیاجات مالی مرد بیشتر از زن است ، زنان در مقابل درآمدی که دارند ، مخارجشان بسیار کمتر است از این جهت ، اسلام ، سهم الارث مرد را بیشتر از مال زن قرار داده تا طبق اصل « هر کس بمقدار نیازمندی و حاجتش ، تعادلی میان درآمد و مخارج آنها را برقرار گردد (۱)

و بعبارت دیگر هر گاه درآمد و مخارج زن و مرد را بطور کلی در نظر بگیریم خواهیم دید که در واقع ، نه تنها مرد از لحاظ ارتزیتی بر زن ندارد ، بلکه حتی میتوان ادعا کرد که در این تقسیم مزیت از آن زن است و اسلام از او بیشتر جانپداری کرده است . ممکن است پذیرش این مطلب برای شما مشکل و یا غیر ممکن باشد ولی با توجه بمثال زیر حقیقت آشکار خواهد شد

→ به پدر و مادر و شوهر باشد که در این صورت شوهر $\frac{1}{2}$ ، مادر $\frac{1}{3}$ و پدر $\frac{1}{6}$ ترکه را بمیراث می برند .

ولی باید توجه داشت که این حکم تنها مربوط بمادر است و شاید فلسفه آن هم این باشد که چون مادر زحمات و رنجهای بیشتری برای تربیت فرزند تحمل میکند ؛ اسلام بدین وسیله خواسته

کمی از زحماتش را جبران نماید (المیزان ج ۴ ص ۲۲۹)

(۱) شبهات حول الاسلام ص ۱۰

شخصی فقط دارای دو فرزند یکی پسر و دیگری دختر است و وارث دیگری هم ندارد ،
 و دارائی او هم در حدود ۶۰ هزار تومان است ، هنگامیکه او فوت کند از دارائی او ، بیست
 هزار تومان « دختر و » چهل هزار تومان « به پسر او سهم الارث میرسد .

این دختر ، تا زمانیکه پدرش زنده بوده جزء واجب‌النفقه او بشمار میرفته و بعداً هم که
 شوهر میکند جزء واجب‌النفقه شوهر خواهد بود و طبیعاً سرمایه بیست هزار تومانی‌ای که از راه
 ارث باو رسیده است برایش باقی خواهد ماند .

ولی آن پسر ، طبق وظیفه‌ای که اسلام بمهده‌اش گذاشته هم بایستی از اقارب و بستگان
 نزدیکش نگهداری کند و هم مخارج زن و زندگی را متکفل باشد .

روی این حساب ، گرچه بظاهر ، پسر چهل هزار تومان ، و دختر ، بیست هزار تومان
 ارث برده‌اند ، اما در مقام مصرف و خرج ، میراث پسر ، همه‌اش خرج او و زن و بچه و گرفتاریهای
 زندگی شده ولی میراث دختر با برایش پس انداز شده و باقی میماند ، و یاد در مصارف شخصی او
 مصرف میگردد

ممکن است همین حساب را در یک مقیاس عمومی تر و وسیعتر اینطور توضیح داد : مجموع
 درآمدها و ثروت‌هایی که در عالم وجود دارد و از نسل حاضر به نسل آینده از طریق وراثت منتقل
 میشود ، زن و مرد نسبت بآن از لحاظ « مالکیت » و « مصرف » نسبت معکوس دارند
 یعنی چون مرد ، موجودی است که جنبه تعقل او بر عواطف و احساساتش می‌چربد و همین امر باعث
 شده که زعامت و اداره امور زندگی و ریاست خانواده با او موقوف شود ، از اینجهت $\frac{2}{3}$ آن

اموال با او منتقل میگردد ولی زن ، همانطور که در سابق توضیح داده شد چون موجودی است
 عاطفی ، احساسات و عواطف او بر تعقل و مال اندیشی او می‌چرخد و همین جهت او را کدبانوی
 خانه و شریک زندگی مرد قرار داده‌است ، از اینجهت $\frac{1}{3}$ آن اموال با او اختصاص یافته‌است .

اما در مقام مصرف ، از آنجا که مرد ، مخارج زندگی خود و همسرش را بعهده دارد ،

از اینجهت $\frac{1}{4}$ سهم الارث او خرج خود او و $\frac{1}{4}$ دیگر مصرف عائله او خواهد شد

ولی زن ، چون واجب‌النفقه شوهر است از اینجهت $\frac{1}{4}$ مال مرد مصرف او میشود و $\frac{1}{4}$

از اصل مال هم که در اختیار اوست طبیعاً زیر نظر او بمصارف مورد نیازش خواهد رسید بنا بر این

میتوان گفت که اسلام در باب میراث بیشتر جانبداری از زن کرده اگر در اصل میراث او $\frac{۱}{۳}$ و بمرد

$\frac{۲}{۳}$ داده است ، در مقام مصرف برای او $\frac{۲}{۳}$ و برای مرد $\frac{۱}{۳}$ قرار داده (۱) (دقت شود)

طبق این حساب روشن ، معلوم خواهد بود که کم و زیاد بودن میراث زن و مرد ، صرفاً بر اساس حاجت و نیاز اقتصادی آنهاست و بهیچوجه ارتباطی بکمال و نقض در انسانیت و یا حقوق انسانی آنها ندارد .

يك ايراد ؟

ممکن است بعضی ایراد کنند ، درست است که این محاسبه درباره نوع زن‌ها و مردها درست درمی آید ولی ممکن است مواردی هم پیش بیاید که مخارج زن‌ها در آن موارد ، کمتر از مردها نباشد مثل اینکه شوهری بمیرد و زن بی پناهی را که بهیچوجه کسی ندارد بیوه کند ، چنین زنی نه فرزند و پدرو مادری دارد تا مخارج او را تحمل کنند و نه ارث او تکافوی مخارج او را میدهد .

و همچنین ، در صورتیکه پدری بمیرد ، در حالیکه دختر مریم و یا ناقص الخلقه بی پناهی با پسر سالم و قادر بکارگری را از خود بیادگار بگذارد .

در اینگونه موارد ، چرا اسلام مرد را با آنکه توانا و قادر بکار است بر زن بینوا و قابل ترحم از لحاظ میراث ترجیح داده و اقلاً با آنها برابر ارث نداده است ؟

پاسخ

پاسخ این ایراد بعقیده من ، بسیار روشن است زیرا اولاً قوانین ، همیشه ناظر بنوع و اکثریت افراد است نه موارد استثنائی قانون گزار همیشه بایستی مصالح عمومی مردم را در نظر بگیرد و برای تأمین مصالح عمومی قانون وضع کند ، گرچه فلسفه حکم در حق همه افراد صادق نباشد و لذا از قدیم گفته اند که : خروج فرد ، مضر نیست .

و ثانیاً اسلام ، برای افراد استثنائی هم راه‌هایی از قبیل «هبه» و «وصیت» گذاشته است باین شرح : شخص مورت . بهر مقدار ازاموال خود را که بخواهد میتواند بهر کسی که میل داشته باشد به بخشد و همچنین تا $\frac{۱}{۳}$ اذرائی خود را میتواند بهر کسی که بخواهد از راه

«وصیت» تملیک نماید ، خواه فرد مورد نظر او زن بی پناه و باشد و یا دختر مریم و ناقص او ؟

بنابراین ، اسلام ، در عین آنکه ارث مرد را بخاطر افزون بودن مخارج و مصارف زندگی ، از زن ، بیشتر قرار داده ، نیازمندیهای موارد استثنائی را نیز از طریق «هبه» و «وصیت» جبران کرده است .

در گفتار پیشوایان دینی فلسفه مذکور برای اختلاف میراث زن و مرد ، بطرز جالب